



## Defense-Security Consequences of Normalizing Relations between the Zionist Regime and Saudi Arabia on the Islamic Republic of Iran

Abbas Asadi<sup>1</sup> Alireza Rahimi<sup>2</sup> Mehdi Rouhi<sup>3</sup>

### Abstract

The Southwest Asia region has undergone significant geopolitical developments in recent years. Some Arab countries, influenced by various factors such as Arab nationalism, domestic and regional crises, the balance of power in the region, identity issues, the Islamic Revolution in Iran, the formation of Arab unrest since 2011, and finally the Iran nuclear agreement with the P5+1 countries, known as the JCPOA, have always had different positions against the Zionist regime, which stem from their national interests. Given the fundamental conflict that has existed between the Arabs and Israel since the establishment of the Zionist regime in 1948, the normalization of their relations has gained importance since the Egyptian peace treaty with the Zionist regime in 1978. This research, which uses a descriptive-analytical and library method, has examined and discovered some of the consequences of the normalization of the Zionist regime and Saudi Arabia. The main question of the research is what are the factors affecting the normalization of the Zionist regime's relations with Saudi Arabia and what are the defense-security consequences for the Islamic Republic of Iran? The research findings show that the presence and influence of the Zionist regime in Saudi Arabia is in line with the realization of the goals of this regime and based on the peripheral doctrine in the region, which can have serious security consequences for the Islamic Republic of Iran

**Keywords:** Saudi Arabia, Zionist regime, Islamic Republic of Iran. Normalization of relations

Vol. 18  
Summer 2025  
P.P: 69- 104

Research Paper

Received:  
2024-12-17  
Revised:  
2025-03-02  
Accepted:  
2025-05-23  
Published:  
2025-05-23

ISSN: 2538-1857  
E-ISSN: 2645-5250



1. Master's student, Imam Hossein (AS) University, Tehran, Iran
2. Corresponding author: Associate Professor, Imam Hossein (AS) University, Tehran, Iran. .Email
3. Associate Professor, Imam Hossein (AS) University, Tehran, Iran.

DOR: 20.1001.1.25381857.1404.18.67.3.5

Publisher: Imam Hussein University

This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).

© Authors





مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۲۷  
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۱۲  
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۲  
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۲/۲۲

شابا چاپی: ۲۵۳۸-۱۸۵۷  
الکترونیکی: ۲۶۴۵-۵۲۵۰



## پیامدهای دفاعی - امنیتی عادی سازی روابط رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی بر جمهوری اسلامی ایران

عباس اسدی<sup>۱</sup> | علیرضا رحیمی<sup>۲</sup> | مهدی روحی<sup>۳</sup>

### چکیده

منطقه جنوب غرب آسیا طی سالیان اخیر دستخوش تحولات مهم ژئوپلیتیکی بوده است. برخی کشورهای عربی تحت تأثیر عوامل مختلفی همچون ناسیونالیسم عربی، بحران های داخلی و منطقه ای، توازن قوا در منطقه، مسائل هویتی، وقوع انقلاب اسلامی ایران، شکل گیری ناآرامی های عربی از سال ۲۰۱۱ و در نهایت توافق هسته ای ایران با کشورهای ۵+۱ موسوم به برجام، همواره مواضع مختلفی مقابل رژیم صهیونیستی داشته اند که نشئت گرفته از منافع ملی آن هاست. با توجه به مناقشه بنیادینی که از زمان تشکیل رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۸ میان اعراب و رژیم صهیونیستی وجود داشته است، عادی سازی روابط آن ها، از همان پیمان صلح مصر با رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۷۸ اهمیت یافته است. این پژوهش با روش ترکیبی یعنی توصیفی - تحلیلی و کتابخانه ای و همچنین تحلیل نرم افزاری به بررسی و کشف برخی از پیامدهای عادی سازی رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی پرداخته است. سؤال اصلی پژوهش این است که عوامل مؤثر بر تحقق عادی سازی روابط رژیم صهیونیستی با عربستان سعودی چیست؟ و چه پیامدهای دفاعی - امنیتی بر ج.ا.ایران دارد؟ یافته های تحقیق که از منابع کتابخانه ای و همچنین تحقیق از خبرگان بوسیله پرسشنامه تهیه شده نشان می دهد، حضور و نفوذ رژیم صهیونیستی در کشور عربستان سعودی در راستای تحقق اهداف این رژیم و بر اساس دکترین پیرامونی بن گورین در منطقه می باشد که می تواند پیامدهای دفاعی و امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران در بر داشته باشد.

**کلیدواژه ها:** عربستان سعودی، رژیم صهیونیستی، جمهوری اسلامی ایران، عادی سازی روابط

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه امام حسین<sup>(ع)</sup>، تهران، ایران
۲. نویسنده مسئول: دانشیار، دانشگاه امام حسین<sup>(ع)</sup>، تهران، ایران
۳. دانشیار، دانشگاه امام حسین<sup>(ع)</sup>، تهران، ایران

DOR: 20.1001.1.25381857.1404.18.67.3.5



نویسندگان ©

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

## مقدمه

رابطه کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی، از زمان تأسیس دولت یهود در سال ۱۹۴۸ به چهار دوره تقسیم می شود که دو طرف در هر دوره با توجه به مقتضیات سیاست خارجی خود و با توجه به منافع ملی خود، سیاست های مختلفی را اتخاذ کرده اند: الف) از سال ۱۹۴۸ تا سال ۱۹۷۸ کشورهای عربی به مقابله نظامی با رژیم صهیونیستی پرداختند و رژیم نیز متقابلاً به مقابله نظامی با آن ها می پرداخت. ب) از سال ۱۹۷۸ تا سال ۲۰۱۱ برخی کشورهای عربی، تحت تأثیر فعالیت های رژیم صهیونیستی، وجود دولت یهود در منطقه خاورمیانه را به عنوان واقعیت موجود قبول کردند و همچنان از تشکیل کشور اسلامی فلسطین حمایت می کردند. ج) از سال ۲۰۱۱ کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی شروع به برقراری و گسترش روابط غیررسمی با یکدیگر کردند. د) از سال ۲۰۲۰ کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی، تحت حمایت آمریکای دوران دونالد ترامپ، شروع به برقراری روابط رسمی و دیپلماتیک و به عبارتی عادی کردن روابط با یکدیگر کردند. برقراری و عادی سازی روابط برخی کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی، با توجه به این که تأثیراتی را در درون مرزهای ملی و ساختار داخلی کشورهای خاورمیانه بر جای خواهد گذاشت و همچنین منطقه خاورمیانه را دچار تحولاتی خواهد کرد، موضوع مهمی است که ضرورت پرداختن به آن بیش از پیش احساس می شود. با توجه به پیامدهای این عادی سازی، به ویژه برای جمهوری اسلامی ایران، اهمیت پرداختن به این مسئله دوچندان می شود. مقاله پیشرو با توجه به اهمیت موضوع قصد دارد به این مسئله بپردازد. با توجه به این که عنصر منافع ملی بیش از هر چیز در این عادی سازی رخ می نماید، نظریه نواقع گرایی می تواند روند عادی سازی برخی کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی را تبیین کند مسئله تحقیق این است که عادی سازی روابط رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی چه پیامدهایی برای جمهوری اسلامی در پی خواهد داشت؟ در راستای رسیدن به نتیجه تحقیق بعد از طرح پرسشنامه ها و تعیین روایی و پایایی آن ها، و جمع آوری پرسشنامه ها از پاسخگویان که شامل ۳۵ نفر که در این موضوع خبره و صاحب نظر بودند و با استفاده از نرم افزار SPSS داده های موجود در پرسشنامه ها مورد ارزیابی قرار گرفت. پرسشنامه در دو بخش مجزا پیامدهای دفاعی و پیامدهای امنیتی به طور جداگانه مورد

بررسی قرار گرفت که نتایج و یافته‌های تحقیق به‌طور جداگانه و دسته‌بندی‌شده در پایان تحقیق آمده است.

## مبانی نظری

### -امنیت

امنیت در لغت به معنای بودن ایمنی و بی ترسی است و این ویژگی در شرایطی حاصل می‌شود که تهدید و خطری وجود نداشته باشد. بنابراین اگر خطری مجموعه افراد ملت را تهدید کند در واقع امنیت ملی در معرض خطر قرار گرفته است با وجود پیشینه طولانی در امنیت در زندگی سیاسی و اجتماعی بشر چه از بعد داخلی و چه از بعد خارجی هاله‌ای از ابهام آن را فرا گرفته است که بیشتر ناشی از متحول بودن محیط سیستمی امنیت و وجود گفتمان‌ها و نگرش‌های گوناگون پیرامون آن است. به نظر می‌رسد بهترین روش برای تعریف امنیت و عملیاتی کردن آن اشاره به دلالت‌های عینی و ذهنی مفهوم و تجزیه آن به عناصر تشکیل دهنده خود است. در این راستا می‌توان دو گونه دلالت مفهومی برای امنیت مطرح کرد. نخست دلالت عینی است که حکایت از نبود خطر بر ضد ارزش‌های حیاتی واحد مورد نظر دارد. در اینجا بودن یا نبودن خطر به شکل واقعی مطرح است ولی دومین دلالت مفهومی، دلالت ذهنی است که در حقیقت حاکی از بودن یا نبودن ترس و وحشت از حمله به ارزشهای اساسی است. در حقیقت در این وضع ممکن است در واقعیت خطری بر ضد ارزش‌ها وجود نداشته باشد، اما در ذهن بازیگران چنین خطری تصور گردد یا برعکس خطر وجود داشته باشد ولی تصور بر نبود خطر باشد. بر این پایه می‌توان مفهوم امنیت را بر پایه دلالت‌های چه ذهنی و چه عینی به بخش‌های چهارگانه یعنی ارزشهای حیاتی و اساسی واحد مورد نظر، خطرها، عوامل خطر و نیز آسیب‌پذیری‌های واحدها در برابر خطرات از یکدیگر جدا کرد. به بیان دیگر مفهوم امنیت در برگیرنده تمام اجزای شمرده شده است.

(Ghassemi, 2007:13-14)

### - ائتلاف سازی

منظور از ائتلاف، همبستگی و همکاری چند کشور مختلف برای نیل به یک یا چند هدف مشترک است. ائتلاف و اتحادسازی یکی از مهمترین راهبردهای حوزه سیاست خارجی است

و بر این مبنا قرار دارد که دولت‌ها صرفاً برای پیروزی (کسب فایده و امتیاز) اقدام به ایجاد اتحاد می‌نمایند. ائتلاف سازی یکی از مهمترین راهبردهای حوزه سیاست خارجی است. ائتلاف سازی فرایندی است که توافقی میان دو یا چند طرف برای حمایت از یکدیگر به منظور پیشبرد منافع متقابل صورت می‌گیرد. در نظام بین الملل منظور از ائتلاف سازی، همبستگی و همکاری چند کشور مختلف برای نیل به یک یا چند هدف مشترک است. ائتلاف سازی بین المللی زمانی شکل می‌گیرد که چند کشور عمدتاً همفکر برای تحقق اهداف مورد نظر با هم به همکاری بپردازند. کشورهای عضو ائتلاف ممکن است برای همکاری با هم یک موافقت نامه رسمی امضاء کنند یا این که بدون وجود هرگونه توافق مکتوب در پی تحقق اهداف مورد نظر برآیند. (A. Eslami & K. Kiakajouri, 2022: 139-146)

هر گونه نزدیکی و ارتباط گیری و توسعه روابط ایران با کشورهای غربی و آمریکا می‌تواند ائتلاف سازی عربستان سعودی را برجسته تر کند. چراکه توافقات ایران با دیگران احتمالاً موجب فرادستی منطقه ای جمهوری اسلامی ایران خواهد شد.

### -عادی سازی

«عادی سازی» که در زبان انگلیسی " Normalization " و در زبان عربی «التطبيع» گفته می‌شود بعنوان یک مفهوم سیاسی نوین در علم سیاست بکار گرفته شده است که البته حاصل تجارب و تلاش های نوع بشر از نخستین گام های تشکیل جوامع مدنی تا ظهور و بروز و استقرار دولت در معنای حاکمیتی و قانونی جدید می باشد؛ از این رو چون این مفهوم همچون یک رفتار و به تبع طبیعت و شکل و عمق مسائل و مشکلات اجتماعی به گونه های مختلفی بروز نمود و برای هر نوعی از انواع ارتباطات اجتماعی به همان شکل ظهور کرد و تعریف گردید لذا در عرصه های اجتماعی و اقتصادی و تاریخی به آن بعنوان یک رفتار اجتماعی و سیاسی نگاه شد. شاید بتوان اظهار داشت که مفهوم عادی سازی، نخستین بار در واژگان صهیونیست ها بکار گرفته شد آنجایی که این مفهوم را به یهودیان در تبعید همراه نمودند بگونه ای که ادعا کردند صهیونیسم یک جنبش و حرکت سیاسی است که قصد دارد تا یهودیان را عادی سازی نماید یعنی اینکه به جای وجود گروه های قومی و قبیله ای در بین

ملل و جوامع ديگر به طبيعت آن ها يعني گرد هم آمدن و تبديل شدن به امت واحده تبديل شوند؛ از اينرو، مفهوم «عادي سازي» مورد نظر ما مي تواند حامل دو وجه و معنا باشد يکي مفهوم داخلي عادي سازي که همانا عادي سازي روابط يهوديان با يکديگر و تشکيل امت واحده مورد ادعای آنان و ديگري مربوط به روابط رژيم صهيونيستي با ديگران و سايرين مي باشد. ممکن است که اغلب بر اين امر اتفاق نظر داشته باشند که در تعريف عمومي و رايج، عادي سازي همانا برگرداندن امور به حالت طبيعي است و از نظر سياسي نيز منتقل شدن روابط از حالت نزاع و درگيري و رودروبي به حالت صلح و استقرار مي باشد، اما از نظر کاربردي، امروزه اين واژه و اصطلاح بيشتر به روابط فی ما بين رژيم صهيونيستي و کشورهای عربي اطلاق می گردد که البته نوع و ميزان آن بنا به بازه های زمانی مختلف و کشورهای متعدد متفاوت بوده و هست. (Al-Ma'shani, A. b. M, 2020)

### -نواقح گرايي

نواقح گرايي عميق ترين و دقيق ترين نقدها را بر پروژه های اصلاح طلبانه در سياست بين الملل وارد سلاخته است. نظريه واقع گرايي پس از جنگ جهاني دوم به عنوان اندیشه مسلط در روابط بين الملل جايگاه ويژه ای يافت و توجه پژوهشگران روابط بين الملل را به خود معطوف داشت. در سال ۱۹۷۹ کنت والتز ۱ نظريه پرداز مشهور واقع گرا با نگارش کتاب نظريه سياست بين الملل، واقع گرايي را از انزوا خارج ساخته و نظريه نواقح گرايي يا واقع گرايي ساختاري را عرضه کرد. (Mohammadkhani, A, 2009: 83-84)

نواقح گرايي از رویکردهايي است که برای مدت طولاني به عنوان پارادایم حاکم در مطالعه سياست بين الملل مورد توجه قرار گرفته و مفروضات آن در شکل دادن به سياست و نظام بين الملل نقش مهمی داشته است. والتز درصدد ارائه یک نظريه علمي بود که قادر به تبیین روابط بين الملل باشد. نظريه ای متشکل از گزاره های تجربی مستند قابل وارسى در مورد روابط بين الملل. از اين رو، نواقح گرايي در مقايسه با واقع گرايي کلاسيک اثبات گراتر و علمي تر است. نئورئاليست ها از لحاظ هستي شناسی دارای تحليل کلان از دید نظام بين الملل هستند. از لحاظ معرفت شناسی؛ عيني گرا هستند و به لحاظ روش شناسی؛ پوزيتيويست و رفتارگرا

1. Kenneth Waltz

می باشند. نواقعی گرای بر اهمیت ساختار بین الملل و نقش آن به عنوان تعیین کننده اصلی رفتار دولت تأکید می کند. نواقعی گرای سطح تحلیل را نظام بین الملل قرار می دهد و معتقد است که ساختار نظام بین الملل نوع و قواعد بازی را مشخص می کند. در این راستا آنچه که در درون دولت ها می گذرد اهمیت نداشته، نمی توان بر ائتدولوژی و رژیم حاکم تأکید داشت. (Valizadeh et al, 2020: ۱۰۱-۱۰۸) نواقعی گرای به دولت ها به عنوان بازیگرانی می نگرد که در چهارچوب عقلانیت رفتار می کنند. عقلانیت نیز بر آن دلالت دارد که کشورها از میان گزینه های موجود و ممکن بر اساس تحلیل هزینه-فایده دست به انتخاب و اقدام می زنند. آنها گزینه ای را انتخاب می کنند که دارای بیشترین فایده و کمترین هزینه باشد.

(Dehghani Firoozabadi, S. J, 2015: 193)

نواقعی گرایان باور دارند که همواره دولت ها با یکدیگر همکاری می کنند تا قدرت نسبی خود را به حداکثر برسانند و استقلال خود را حفظ نمایند. (Jackson and Sorensen, 2013: 49)

متفکران نواقعی گرای معتقدند که مبارزه برای قدرت، اولین گام برای پانهادن در عرصه ای است که هر یک از کشورها درصددند قویترین بازیگر نظام بین الملل باشند، بدین جهت مترصد افزایش قدرت در برابر دیگر رقبا هستند. چهار فرض: وجود آنارشی در سیستم بین الملل، عدم اطمینان دولت ها از مقاصد یکدیگر، تلاش برای حفظ بقا و توانایی تهاجمی، جملگی توجیه رفتارهای رقابت آمیز در راستای کسب قدرت دولت ها می باشد. نتیجه اینکه سیستم مزبور دولت ها را تشویق می کند تا مترصد فرصت هایی باشند تا قدرت خود را در برابر دیگران به حداکثر برسانند. (Zarei, G., et al, ۲۰۲۲: ۱۱)

نواقعی گرایان بر این نکته تأکید می کنند که همه دولت ها به دنبال امنیت هستند. دولت ها به پیشینه سازی قدرت مبادرت و هر آنچه در توان داشته باشند انجام خواهند داد تا از امنیت خود حراست نمایند. (Maleki, & Mohammadzadeh Ebrahimi, 2020: ۵۶)

### پیشینه پژوهش

پیرامون موضوع روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی و نیز چالش های این رابطه برای جمهوری اسلامی ایران؛ از جمله تأثیرات امنیتی آن، پژوهش هایی با تفاوت های بسیاری

صورت گرفته است که در ادامه به مهمترین آنها که بیشترین نزدیکی را با موضوع بحث حاضر دارد، اشاره می شود.

-شاهین و دیگران(۱۳۹۷)، در مقاله ای تحت عنوان «واکاوی سیاست ها و تعاملات سعودی-صهیونیستی در قبال جمهوری اسلامی ایران در فضای پسا تحریم» که در نشریه جستارهای سیاسی معاصر به چاپ رسیده است، با بهره گیری از نظریه سازه انگاری در راستای پاسخ به این سؤال است که فضای پسا تحریم چه تأثیری بر روابط سعودی-صهیونیستی در مقابل جمهوری اسلامی ایران بر جای گذاشته است؟ و در واقع فرضیه ای که آن را به اثبات می رساند آن است که فضای پساتحریم، معادلات هویتی متخاصم و برساخته قدرت را بین ایران، عربستان و رژیم صهیونیستی را بیش از گذشته شدت بخشیده است. این مقاله از نظر سیاست ها و تعاملات عربستان و رژیم صهیونیستی با تحقیق حاضر شباهت داشته اما از نظر بررسی پیامدهای دفاعی امنیتی عادی سازی روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی که در این مقاله حاضر به آن پرداخته شده است تفاوت بسیار زیادی دارد.

-دوست محمدی و رجبی (۱۳۹۷)، در مقاله ای تحت عنوان «عربستان سعودی و تهدید امنیتی جمهوری اسلامی ایران»، که در فصلنامه سیاست به چاپ رسیده است، با اشاره به تحولات صورت گرفته در روابط عربستان سعودی در سطوح مختلف داخلی منطقه ای و بین الملل به تهدیدات قابل تصور در این تغییر رویکرد توجه می نماید. نویسنده با توجه به گوناگونی ماهیت تهدیدها و اهمیت تهدیدهای امنیتی در سرنوشت یک کشور به واکاوی ماهیت تهدیدهای برخاسته از تحولات اخیر عربستان سعودی برای جمهوری اسلامی ایران می پردازد. نویسندگان با بهره گیری از نظریات مکتب کپنهاک به عنوان رویکرد پژوهشی مقاله، این فرضیه را به اثبات می رسانند که تحولات عربستان سعودی، بیانگر تلاش این کشور برای بر عهده گرفتن کارکردی محوری با هدف مهار منطقه ای جمهوری اسلامی ایران از سوی ایالات متحده آمریکا است که این کارکرد به ویژه در دوران اوایل به قدرت رسیدن بن سلمان به ولیعهدی و نگرش های ضد ایرانی وی تشدید شده است و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را بیش از پیش تهدید می کند. لذا بدلیل اینکه در این مقاله، عادی سازی روابط

عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی مورد بررسی قرار نگرفته و تغییر تحولات عربستان را هدف آمریکا قلمداد کرده است تفاوت آشکار و فراوانی با پژوهش حاضر دارد.

-ملکی و محمدزاده ابراهیمی (۱۳۹۹)، در مقاله ای تحت عنوان «چشم انداز صلح خاورمیانه در سایه عادی سازی روابط اسرائیل و جهان عرب» که در فصلنامه مطالعات بین المللی به چاپ رسیده است، با اشاره به مناقشه رژیم صهیونیستی و فلسطین که ریشه های آن دست کم به بیش از یک قرن پیش باز می گردد و این مناقشه را بغرنج ترین بحران های بین المللی قلمداد می کنند که دهه ها منطقه حساس خاورمیانه را درگیر تنش ساخته است. این مقاله با استفاده نظریه نواقعگرایی و با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و منابع کتابخانه ای به واکاوی مناقشه رژیم صهیونیستی و فلسطین پرداخته است و نویسندگان مقاله به دنبال پاسخ به این سؤال هستند که چرا رژیم صهیونیستی و اعراب در مسیر عادی سازی روابط با یکدیگر قرار گرفته اند؟ در پاسخ سؤال در مقاله آمده است که نگرانی های امنیتی مشترک رژیم صهیونیستی با برخی کشورهای عرب و همین طور پیشبرد بهتر منافع ملی را می توان به عنوان نقطه ثقل این سؤال عنوان نمود که موجبات اعتلای روابط رژیم صهیونیستی و اعراب را فراهم آورده است. در این مقاله علاوه بر بررسی دیدگاههای متفاوت راجع به امنیت، نقش برجسته آمریکا در این مناقشه نیز به تصویر کشیده شده است. در این مقاله نیز بصورت کلی به روابط اعراب با رژیم صهیونیستی پرداخته شده است و تفاوت آن با این پژوهش در آن است که بطور خاص به پیامدهای دفاعی امنیتی عادی سازی روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی پرداخته نشده است.

- واعظ و دیگران (۱۴۰۱)، در مقاله ای تحت عنوان «بررسی وضعیت و جایگاه مساله فلسطین در عادی سازی روابط عربستان سعودی و رژیم اسرائیل» که در فصلنامه علمی پژوهشی علوم سیاسی به چاپ رسیده است، بطور خاص به نقش مسئله فلسطین در عادی سازی روابط عربستان با رژیم صهیونیستی می پردازد. این مقاله که با روش تحلیلی و توصیفی، و تا حدودی نیز تاریخی است جمع آوری شده است. به این سؤال پاسخ می دهد که مسأله فلسطین در روند عادی سازی این روابط میان اعراب و رژیم صهیونیستی، دارای چه وضعیت و جایگاهی است؟ و هدف مقاله آن است که در روند عادی سازی روابط، به طور خاص بر

موضوع فلسطین متمرکز شود، چرا که این مسأله برای جمهوری اسلامی، یکی از نقاط ایدئولوژیک است که در تضاد با وجود رژیم صهیونیستی، با امنیت آن گره خورده است. نتیجه کلی مقاله نشان می دهد اعراب متحد عربستان در روند عادی سازی، جایگاه بالایی برای آرمان فلسطین قائل نیستند؛ اما سعودی که ادعای رهبری مسلمانان را دارد، در شعار، حل مسأله فلسطین را یکی از شروط عادی سازی کامل روابط خود با رژیم صهیونیستی می داند، با این حال چنانچه امنیت آن بیشتر تهدید شود (از طرف ایران و...)، عربستان این شرط را نیز رها خواهد کرد. نویسندگان این مقاله به نقش و جایگاه قدرتمند ج.ا.ا در منطقه و تأثیر آن بر روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی و سپس پیامدهای آن پرداخته اند. در تفاوت باید گفت که از نظر بررسی پیامدهای دفاعی امنیتی عادی سازی روابط دو رژیم بر امنیت ج.ا.ا تفاوت بسیار دارد.

-دهقانی فیروزآبادی و دیگران (۱۴۰۰)، در مقاله ای تحت عنوان «عادی سازی روابط کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی و پیامدهای امنیتی آن برای جمهوری اسلامی ایران» که در فصلنامه علمی پژوهشی علوم سیاسی منتشر شده است، به روابط کشورهای حوزه خلیج فارس با رژیم صهیونیستی پرداخته و بطور جداگانه به روابط عربستان و رژیم صهیونیستی پرداخته نشده است. این مقاله که با روش توصیفی - تحلیلی و بهره گیری از منابع کتابخانه ای و منابع مندرج در پایگاههای اینترنتی معتبر در تلاش است؛ متغیرهای تأثیرگذار بر ایجاد مسیر عادی سازی روابط را کشف کند. نویسندگان به دنبال پاسخ به این سؤال هستند که عوامل مؤثر در ایجاد و تداوم روند عادی سازی روابط میان رژیم صهیونیستی با کشورهای عربی حوزه خلیج فارس چیست؟ و تکامل این روند چه پیامدهایی بر امنیت ملی ایران خواهد داشت؟ فرضیه آن است که مداخلات بین المللی در رقابت درون منطقه ای و تحولات داخلی کشورها سه عامل مؤثر در روند عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی بوده است. یافته های مقاله نشان می دهد که عربستان سعودی در ارتباط با رژیم صهیونیستی بدنال کاهش آسیب پذیری خود در منطقه می باشد. در این مقاله بصورت کلی به روابط اعراب با رژیم صهیونیستی پرداخته شده است و تفاوت آن با این پژوهش در آن است که بطور خاص به پیامدهای دفاعی امنیتی عادی سازی روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی اشاره ای نگردیده است.

### روابط عربستان سعودی با رژیم صهیونیستی

علاوه بر تحلیل عوامل و دلایل نزدیکی و اختلاف دو کشور عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی، باید به زمینه های همکاری این دو کشور با یکدیگر نیز اشاره نمود. رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی در برخی حوزه ها و زمینه ها دارای روابط غیر رسمی مخفیانه و مقطعی با همدیگر بودند روابط محرمانه بین عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی از سال های دور وجود داشته است. اگرچه دو کشور در پایتخت های یکدیگر دارای سفارت خانه و نهادهای رسمی دیپلماتیک نیستند اما عدم وجود روابط رسمی دیپلماتیک نباید پهنای فقدان ارتباطات غیر رسمی و کانالهای متعدد ارتباطی بین دو کشور تلقی گردد. برای مثال طی سال های اخیر، بسیاری از شرکت های امنیتی رژیم صهیونیستی به کشورهای عرب حوزه خلیج فارس در مسائل امنیتی مشورت هایی را ارائه می دهند حتی شرکت های امنیتی رژیم صهیونیستی در حال آموزش نیروهای ویژه این کشورها هستند و سیستم های بسیار پیشرفته امنیتی را در اختیار آنها قرار داده اند. این امر سوای دیدارهای سری و مستمر با مقامات عالی رتبه در این کشورها است. همچنین علاوه بر روابط سیاسی و دیپلماتیک غیر رسمی بین رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی باید به وجود روابط تجاری و اقتصادی به ویژه در بخش انرژی بین دو کشور نیز اشاره نمود که در سال های اخیر رو به افزایش بوده است. در ادامه تلاش عربستان سعودی برای ضربه زدن به ایران، این کشور تلاش داشته است تا از طریق عرضه زیاد نفت و به تبع آن کاهش قیمت این کالا در بازار جهانی اقتصاد ایران را مورد هدف قرار دهد. باید اذعان کرد که برتری عربستان سعودی در زمینه تولید و ذخیره نفت به آن فرصت تسلط در عرصه تولید کلی نفت اوپک و همچنین حاکمیت در زمینه تعیین میانگین قیمت جهانی نفت را داده است. عربستان سعودی از این دو شاخص مهم در راستای پیشبرد منافع خود و علیه کشورهایی چون ایران استفاده می کند که طبیعتاً این رویکرد و سیاست مورد حمایت شدید رژیم صهیونیستی قرار گرفته است.

(Akhavan Kazemi, Narimani & Sadeghi, 2016: ۱۴۰)

**یافته های پژوهش:**

## علل گرایش اعراب و رژیم صهیونیستی به عادی سازی

### - احساس کسب منافع بیشتر عربستان سعودی در عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی

بر اساس نظریه نواقع گرای، کشورها همواره به دنبال تأمین منافع ملی خود هستند و همکاری میان آنها تا جایی تداوم دارد که تأمین کننده منافع آن ها باشد و در صورتی که این همکاری برخلاف مزیت های نسبی برای دولت ها باشد، از ادامه آن سر بازخواهند زد. بنابراین، اتحادها و ائتلاف ها مسائلی موقت هستند که بر اساس منافع ملی دولت-ملت ها شکل می گیرند. این اصل در مورد روابط به وجودآمده بین کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی نیز صادق است. این دولت ها به دنبال تأمین منافع ملی خود با یکدیگر رابطه برقرار می کنند. از دید کشورهای عربی خاورمیانه، رژیم صهیونیستی به لحاظ اقتصادی و نظامی قوی است و توانایی دفاع از منافع حیاتی منطقه را دارد که این مسئله خود عاملی برای شکوفایی روابط اعراب و رژیم در خاورمیانه شده است؛ لذا روابط به وجودآمده میان آن ها از روی مصلحت است. در حقیقت، مجموعه ای از علل در سه سطح بین المللی، منطقه ای و داخلی به گرایش برخی کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی برای برقراری روابط با یکدیگر منجر می شود. (Dost Mohammadi & Rajabi, 2018: 91)

با تحقق عادی سازی روابط رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی، ممکن است مجموعه ای از منافع سه بازیگر (عربستان، رژیم صهیونیستی و آمریکا) را به امضای توافق عادی سازی روابط سوق دهد. برخی منافع عربستان عبارتند از:

- ارتقاء کمی و کیفی تسلیحات و توسعه توان نظامی ریاض پس از دستیابی به تسلیحات پیشرفته آمریکایی که می تواند پس از عادی سازی روابط و رفع موانع در آمریکا با صادرات تسلیحات به عربستان بدست آید.

- توافق با رژیم صهیونیستی با دیدگاه عربستان سعودی برای توسعه سرمایه گذاری ها و توسعه اقتصادی که با پایان دادن به درگیری های منطقه ای و کاهش تنش ها در منطقه بستگی دارد، سازگار است.

- عادی سازی روابط تل آویو-ریاض، روابط عربستان و ایالات متحده را نیز بهبود می بخشد و تعهدات آمریکا به امنیت ملی عربستان را افزایش می دهد. (Hosseini, 2023: 03)

#### - **بیداری اسلامی**

با تحولات بهار عربی (بیداری اسلامی) در سال ۲۰۱۱ میلادی و سرنگونی متحدان مهم عربستان سعودی، نگرانی های امنیتی این کشور افزایش یافت؛ چرا که جمهوری اسلامی ایران به دلیل دارا بودن ایدئولوژی انقلابی و اتقاء توانمندی نظامی توانست نفوذ خود را در منطقه افزایش دهد. تحولات سیاسی اخیر در بسیاری از کشورهای عربی که به «بیداری اسلامی» یا «بهار عربی» معروف شده است، از سال ۲۰۱۱ میلادی به بعد، عربستان و رژیم صهیونیستی را به گونه ای استراتژیک و غیرمستقیم با یکدیگر همراه کرده است و هر دو کشور آن تحولات را با نگرانی و بدبینی می نگرند. امنیت عربستان سعودی به شدت متأثر از تحولات بین المللی بوده و هست. این موضوع را می توان به وضوح در رویدادهایی مانند پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، بیداری اسلامی، توافق نامه برجام، بحران سوریه و قدرت یابی شیعیان در عراق (که به رفتارهای پرخاش جویانه و نگاه جدی تر به قدرت های فرامنطقه ای در سیاست خارجی عربستان سعودی منجر بود) مشاهده کرد. (Moradi & Mansouri, 2024: ۱۰۴-۱۱۷)

#### - **حمایت آمریکا از عادی سازی روابط رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی**

عربستان و رژیم صهیونیستی طرفدار برخوردار تهاجمی آمریکا با ایران و تغییر حکومت هستند. لیکن از آنجا که این امر به راحتی امکان پذیر نیست، با کمک های آمریکا به دنبال تقویت جبهه ضد ایرانی در منطقه برای جلوگیری از نفوذ بیشتر جمهوری اسلامی ایران هستند. لذا همکاری این سه بازیگر با هم می تواند در آینده تعادل و توازن قدرت منطقه ای را در منطقه به زیان ایران تغییر دهد. بویژه اینکه اگر زمینه های عادی سازی تعداد بیشتری از کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی را فراهم کند. (Abbasi & Hamidfar, 2020: 21) در خصوص حمایت بی چون و چرای آمریکا از رژیم صهیونیستی، ارزش مورد انتظار برای آمریکا حمایت همه جانبه از رژیم صهیونیستی در عین داشتن رابطه مناسب با دیگر کشورهای عربی و منطقه است. با احتمال خوش بینانه، وقوع آن ممکن است از طریق مذاکرات صلح و سازش بین رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی با میانجی گری آمریکا دنبال و شود.

(Khani & Sadeghi, 2014: 155-156)

**نقش لابی یهودی در پیگیری عادی سازی روابط رژیم صهیونیستی با عربستان سعودی** - طبیعتاً در روند پیگیری عادی سازی روابط رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی، نقش لابی یهودی نیز بسیار پر رنگ است به ویژه لابی قدرتمند آمریکا که اغلب از یهودیان ذی نفوذ هستند برای خریدن مشروعیت نقش آفرینی می کنند و با بسط نفوذ منطقه ای ایران، که عربستان سعودی آن را سیاست تهاجمی تفسیر می کند در قالب ائتلاف سازی در چارچوب اتحاد برای دفاع، عربستان را به همسویی با رژیم صهیونیستی سوق می دهند. در این صورت منطقه درگیر ائتلاف سازی هایی می شود که نوک پیکان مواجهه آن جمهوری اسلامی ایران است و علی رغم امضای توافق میان ایران و عربستان، عادی سازی روابط رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی تأثیرات عمیق بر منطقه و ایران خواهد داشت.

(Rouhi, & Hajizadeh2023: 193)

#### **گروه های اسلامی**

عربستان سعودی همیشه از گروه ها و جریان محور مقاومت ترس داشته است چرا موقعیت آنها را در منطقه متزلزل می کند. از آنجایی گروه های حزب الله لبنان، حماس و اخوان المسلمین مصر همواره روابط خوبی با جمهوری اسلامی ایران داشته و دارند و ایران بعنوان رقیب عربستان در منطقه به شمار می رود، لذا عربستان سعودی سیاست تضعیف گروه های مزبور و مقابله با با ایران را دنبال می کند. رژیم صهیونیستی نیز همسو با سیاست های عربستان می باشد چرا که این رژیم هم سیاست تضعیف محور مقاومت و جلوگیری از نفوذ ایران در لبنان و فلسطین را دنبال می کند. (Rostami & Tara2018: 124)

#### **تغییر موازنه قدرت و ساختار امنیتی منطقه**

از جنبه های قابل توجه نزدیکی اعراب و رژیم صهیونیستی تغییر در موازنه قدرت منطقه ای است. همکاری ایران با کشورها و گروه هایی در منطقه از جمله عراق، حزب الله، حماس، یمن و گسترش عمق استراتژیک ایران در غرب آسیا باعث نگرانی اعراب بخصوص عربستان شده و این امر باعث واکنش کشورهای حاشیه خلیج فارس و اقدام علیه به چالش کشیدن ایران در منطقه و نزدیکی به رژیم صهیونیستی شده که این نزدیکی می تواند نظم و ساختار امنیتی منطقه را به

ضرر ایران تغییر دهد. در واقع، به رغم وجود شرکای منطقه ای ایران و تلاش برای حفظ عمق استراتژیک و نفوذ در منطقه توسط این کشور، همسویی اهداف اعراب و رژیم صهیونیستی موانع و مشکلاتی را برای ایران ایجاد کرده است. اقداماتی نظیر حمله به سپاه قدس در سوریه، از بین بردن خطوط حمایت و پشتیبانی حزب الله و معرفی آن به عنوان یک سازمان تروریستی و حتی اقدامات تنبیهی علیه برنامه موشکی ایران تا حدودی حاصل سیاست ها و لابی گری مشترک اعراب و رژیم صهیونیستی است. از سویی دیگر، حمایت آمریکا به ویژه در دوران ترامپ از اعراب و رژیم صهیونیستی سبب شده تا آنها با آزادی عمل بیشتری اقداماتی را در یمن و سوریه انجام دهند و همین مسئله به تغییر موازنه قدرت در منطقه به نفع اعراب و رژیم صهیونیستی منجر شده است و از سویی دیگر، اقدامات کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی که در گذشته انجام شده است باعث گسترش ناآرامی در منطقه شده است. رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی، به ویژه پس از روی کار آمدن ترامپ در دوره اول ریاست جمهوری در آمریکا، در سطح منطقه ای و همچنین حوزه نظامی درصدد تشویق آمریکا برای به کارگیری مواضعی خصمانه تر از دولت باراک اوباما نسبت به ایران برآمدند. آزمایش های موشکی، انتقال سلاح به یمن و سوریه و درگیری های نظامی محدود در خلیج فارس، بهانه های فشار حداکثری به ایران بود. ایالات متحده آمریکا به رهبری دونالد ترامپ نیز تمام تعاملات منطقه ای را در راستای تقویت جبهه عربی-صهیونیستی شکل داد. ترامپ با خارج شدن از برجام و اتخاذ سیاست فشار حداکثری و افزایش فشارهای تحریمی و ضدایرانی، کشورهای عرب به رهبری عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی را عملاً بیش از پیش زیر چتر حمایتی خود قرار داد. (Abbasi & Hamidfar, 2020: 17)

#### - حفظ مشروعیت داخلی، منطقه ای و بین المللی

حفظ مشروعیت داخلی، منطقه ای و بین المللی، مقابله با نفوذ جمهوری اسلامی ایران، حل مسئله فلسطین، توجه به خواست نسل جدید جوانان در عربستان، اجرایی نمودن طرح های اقتصادی مورد نظر محمد بن سلمان و حفظ اتحاد راهبردی با آمریکا، همگی از مهمترین ملاحظات و اولویت های عربستان می باشد. (Nemati & Haji Yousefi 2019: 179)

حفظ مشروعیت داخلی برای نسل جدید جوانان عربستان از اولویت های مهم عربستان بوده و از نظر سران عربستان عادی سازی روابط موجب کسب مشروعیت داخلی آنان خواهد شد.

#### - تأثیر ایران هراسی شکل گرفته توسط دشمنان ایران

ایران هراسی بر بستر برخی واقعیت ها در منطقه و وارونه نمایی برخی دیگر شکل گرفته، تا در پرتو آن هزینه قدرت یابی ایران به نحوی افزایش یابد که انتقال قدرت غیرممکن شود. (Shariati Nia, 2010: 193) محور اصلی راهبرد ایران هراسی، هراس افکنی در بین کشورهای منطقه از قدرت نظامی بازدارنده و هسته ای ایران است و هدف آن تغییر محور منازعه منطقه ای عربی یا اسلامی-رژیم صهیونیستی به سمت نوعی ائتلاف ولو غیر رسمی رژیم صهیونیستی-عربی علیه ایران است. (Navidi Nia & Moradi Kolardeh, 2021: 98-99)

#### دلایل استراتژیکی نزدیکی رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی

##### - رقابت ایدئولوژیک بین ایران و عربستان

یکی از عوامل مؤثر بر روابط بین رژیم صهیونیستی با کشورهای عربی و مشخصاً عربستان سعودی را می توان در تنش هایی یافت که درخصوص مسائل ایدئولوژیک منطقه و نقش ایدئولوژیکی دید که ایران و عربستان به عنوان دو قدرت مهم منطقه ای ایفا می کنند. عربستان خود را به عنوان خاستگاه اسلام و حاکمان خود را به عنوان خادمان اماکن مقدس اسلامی و حرمین شریفین می دانند، بر این اساس برای خود اولویت رهبری جهان اسلام مبتنی بر پوشش تسنن و لایه پنهان وهابیت قائل است. این درحالی است که جمهوری اسلامی ایران هم خود را به عنوان ام القراء و مرکز جهان اسلام معرفی و برای خود رسالت رهبری جهان اسلام قائل گردیده است. پس از انقلاب اسلامی به سرعت ایدئولوژی سیاسی و انقلابی شیعه در مقابل ایدئولوژی سنی - وهابی به رهبری عربستان سعودی قرارگرفت و هر یک مشروعیت دیگری را زیرسؤال بردند. پرنس شدن عنصر شیعه در تحولات منطقه ای به ویژه عراق، لبنان و یمن و وقوع انقلاب های اجتماعی جهان عرب از یک سو و پرنس شدن عنصر سنتی سلفی در عرصه منطقه ای از سوی دیگر باعث گسترش الگوی تعارض در روابط ایران و عربستان گردیده است؛ بنابراین هر یک سعی در ایجاد توازن علیه دیگری دارد. درچنین فضایی

عربستان برای مقابله با رقیب ایدئولوژیک منطقه ای خود و در چارچوب اصل « دشمن دشمن من، دوست، دوست من است» نزدیکی با رژیم صهیونیستی را مد نظر قرار داده است تا بتواند با ایران و بازوی قدرتمندش در لبنان، که هر دو از دشمنان و رقبای اصلی رژیم صهیونیستی هم به شمار می روند مقابله کند. به بیان دیگر منافع حکومت سعودی و دولت تلاویو برای رؤیاریوی با این دشمن مشترک بیش از هر زمان دیگری در یک راستا قرار گرفته است. (Rouhi & Hajizadeh, 2023:198) در دهه های اخیر و بویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی؛ عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی، ایران را خطرناک ترین دشمن خود تلقی نموده اند. در محافل داخلی دو کشور اعتقاد بر این است که هماهنگی امنیتی و تقویت روابط با یکدیگر و با دیگر کشورها، یک ضرورت سیاسی مهم برای مقابله با ایران است. (Akhavan Kazemi, Narimani, & Sadeghi, 2016:132)

ایران بدون شک یکی از مهم ترین دلایل حرکت عربستان و رژیم صهیونیستی در مسیر عادی سازی روابط، نوع رابطه آنها با جمهوری اسلامی ایران است. طی یک دهه اخیر سطح روابط عربستان سعودی و ایران روند نزولی داشته و سطح روابط دو کشور از وضعیت «رقابت» به «خصومت» تنزل یافته است، به نحوی که روابط دیپلماتیک تهران-ریاض از سال ۲۰۱۶ تا کنون قطع شده است. «کوبی میشل»، محقق مؤسسه مطالعات امنیت ملی دانشگاه تل آویو عنوان می کند که عربستان سعودی به همراه مصر، اردن و دولت های خلیج فارس به استثناء قطر تهدید مشترک دارند: ایران. الگوی رفتاری عربستان سعودی نشان می دهد که دولت سعودی قصد ندارد اجازه دهد تحول قدرت منطقه ای ایران ادامه پیدا کند. رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی خواستار حمایت غرب از خود در مقابل خواسته های جمهوری اسلامی ایران هستند. آنها نسبت به قدرت ایران در منطقه شناخت کافی دارند لذا ایران را به لحاظ اختلاف تفکر و اهداف با خود، تهدید بالقوه می دانند لذا به زعم آن ها ایران تهدیدی مشترک برای آنان به شمار می روند و این تفکر می تواند آن دو را به توافق نزدیک تر کند. (Alsaafin, 2017)

- تغییرات در راهبرد منطقه ای آمریکا

یک نگاه دقیق به سیاست خاورمیانه ای آمریکا پس از جنگ سرد تاکنون نشان می دهد سیاستی که آمریکا در رابطه با عربستان دنبال کرده است، سیاست منزوی ساختن این ملت غنی از منطقه، با هدف قرار گرفتن دائمی آنها در چتر امنیتی آمریکا می باشد.

(Nemati & Haji Yousefi, 2019: 172)

تازمانی که عربستان مسیر تقویت روابط خود با شهروندان در داخل را طی نکند و از رقابت های بی معنی با قدرت منطقه ای دست برندارد، هیچ تغییری در وابستگی امنیتی این کشور به آمریکا ایجاد نخواهد شد.

#### - **علاقه عربستان برای دریافت یک سلسله امتیازات از آمریکا و رژیم صهیونیستی و منافع اقتصادی پس از عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی**

فراتر از سطح منطقه ای، عربستان سعودی رژیم صهیونیستی را ایستگاهی برای رسیدن به حمایت های اقتصادی و سیاسی آمریکا و به طور کلی قرار گرفتن در جبهه قدرت برتر در عرصه جهانی می بیند؛ به گونه ای که برای مثال ایالات متحده چشم بر نقض گسترده حقوق بشر و سرکوب سیاسی توسط این رژیم ها بندد. (Jahanirad, 2023: 153)

#### - **جزایر صنافیر و تیران: دروازه صلح عربستان و رژیم صهیونیستی**

با وجود در اختیار بودن این جزایر توسط مصر، رژیم صهیونیستی، نقش مشخصی برای خود در دستور کار منطقه ای عربستان و مصر ایجاد کرد، و توافق نامه جزایر دریای سرخ میان مصر و عربستان را به عنوان یک فرصت برای همکاری بیشتر در میان این دولت ها در نظر گرفت. (Adami et al, 2018: 203)

#### - **تلاش رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی برای همگرایی بیشتر به آمریکا**

یکی از وجوه مشترک بین رژیم صهیونیستی با کشور عربستان هم پیمانی با ایالات متحده آمریکا است؛ در این مجال، نقش لابی های آمریکا در ائتلاف سازی برای ایجاد جبهه واحد در مقابل ایران می تواند پر رنگ باشد. شورای روابط خارجی، آپیک و... نقش ویژه ای را ایفا می نمایند. در مجموع ایالات متحده در راستای تضعیف جمهوری اسلامی سعی می کند با ایجاد همکاری های منطقه ای جبهه ای واحد در مقابل جمهوری اسلامی ایجاد نماید. این ائتلاف سازی از جانب رژیم صهیونیستی و عربستان نیز مطلوب است و می تواند در یارکشی مقابل

ایران توازن را به سمت دو کشور مذکور تقویت کند. ائتلاف سازی عربستان با رژیم صهیونیستی می تواند در همگرایی دولت دموکرات بایدن با سیاست های منطقه ای دو کشور فوق همسویی ایجاد کند. (Rouhi & Hajizadeh, 2023: 203)

### - ظهور نخبگان جدید در عربستان سعودی و تغییر سیاست عربستان

از جمله شاخصه های بسیاری از کشورهای عرب از جمله عربستان سعودی، ضعف ساختارهای مردم سالاری است. این خصیصه باعث تقویت شخصیت ها و نخبگان در ساختار حاکمیتی و پررنگ شدن نقش این اشخاص در سیاست خارجی آنها شده است. در واقع، بسیاری از دوستی ها و دشمنی ها در حوزه کشورهای عربی همواره متأثر از ملاحظات، ذهنیت ها، توهمات و یا انگیزه ها و منافع شخصی رهبران و نخبگان سیاسی این منطقه بوده است. در همین راستا، رهبران نسل های گذشته جهان عرب و به ویژه نخبگان و حاکمان سیاسی نیم قرن گذشته آنها، همواره رویکردی محافظه کارانه داشته و تلاش داشتند از تغییر و تحولات ناگهانی، جلوگیری کنند، اما اکنون یکی از علل اصلی عادی سازی روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی، تغییر نسل نخبگان و سیاست آنان در عربستان سعودی است. (Al-Shahrani, 2007: 91)

رژیم صهیونیستی با ارائه چهره ای صلح دوستانه از خود و افزایش مناسبات فرهنگی، علی رغم نبود اشتراکات تاریخی و فرهنگی قابل توجه بین آنها، در بین نخبگان کشورهای عربی نفوذ کرده و بطور همزمان با احزاب موافق و مخالف دولت ها به ویژه عربستان سعودی ارتباطات دوستانه ای برای پیشبرد اهداف بلند مدت خود برقرار کرده است.

### - تغییر سیاست خارجی عربستان سعودی از انزوا گرایی به نقش آفرینی در منطقه و جهان

سیاست خارجی عربستان، بر پایه حفظ روابط دوستانه این کشور با کشورهای سرمایه داری غرب شکل گرفته است. با این همه، عربستان همواره کوشیده است تا در سیاست دیگر خارجی خود، رویکردی دوگانه را حفظ کند؛ به عبارت دیگر، این کشور باید بصورت همزمان دو نقش متعارض را ایفا کند: رهبری جهان اسلام، دوست و متحد غرب. بنابراین، عربستان سعودی در سیاست خارجی، تمامی روابط خود را با غرب، بویژه کشورهای طرفدار آن، قرار داده و همواره می کوشد تا در مقابل سیاست های رادیکالی جهان عرب و منطقه، نقش متعادل

کننده ای را ایفا کند. بر همین اساس، نیز امروزه عربستان، به عنوان یکی از مراکز مهم سیاست های منطقه ای آمریکا و غرب در میان کشورهای جهان اسلام درآمده و سعی نموده تا با دنباله روی از کشورهای غربی نقش فعال تری در منطقه داشته و توان استراتژیک کشوری را در صحنه سیاسی جهان بالا ببرد. (Karimi, 2011: ۱۲)

#### - نگرانی رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی از توافق هسته ای ایران

با ایجاد روابط حسنه بین رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی به نظر می رسد هر دو برای جلوگیری از دست یابی ایران به توانایی نظامی هسته ای و در جهت مهار کردن تلاش ایران برای رسیدن به قدرت منطقه ای، مشتاق خواهند بود. هر دو از چرخش در سیاست های آمریکا به خصوص در ارتباط با عدم تمایل در جهت استفاده از زور علیه ایران نگران و آشفته بودند. (Adami et al, 2018: ۲۰۱) انعقاد قرارداد توافق هسته ای و به دنبال آن نزدیکی ایران به غرب و به خصوص آمریکا برای عربستان و رژیم صهیونیستی که از متحدان منطقه ای آمریکا بودند و بقا و امنیت خود را در اتکای به آمریکا می دانستند، قابل قبول نبود. از این رو درک جدیدی در عربستان و رژیم صهیونیستی شکل گرفت که به عنوان دشمنان ایران روابط دوستانه بهتری با یکدیگر داشته باشند و به همین دلیل مقامات آنان تصمیم گرفتند تا مذاکرات خود را علنی کنند. (Rostami & Tara 2018: 132)

#### - غلبه رژیم صهیونیستی بر مشکلات داخلی

رژیم صهیونیستی از بدو تأسیس با مشکلات زیادی از جمله اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی مواجه بوده است. وجود این بحران ها در دوره های مختلف به نوعی تأثیر بر منفی بر جامعه این رژیم گذاشته است. سران این رژیم با منحرف کردن افکار عمومی به سمت مسائل خارجی مانند تهدیدات ایران و بهبود روابط با کشورهای عربی، بدنبال القاء این موضوع هستند که دیگر رژیم صهیونیستی دشمن درجه یک اعراب نیست و روابط خوبی با کشورهای منطقه دارد و این موضوع می تواند سرپوش خوبی بر ناکامی های داخلی رژیم صهیونیستی بوده و با بهره گیری از منابع مالی اعراب بخشی از هزینه های نظامی را کاهش دهد. (Ekhtiari Amiri, et al, 2020: 115-116)

#### - دشمنان مشترک از نظر رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی

عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی علیه برخی از کشورها و گروه های منطقه غرب آسیا به عنوان دشمن مشترک، وارد نوعی اتحاد طبیعی و نانوشته شده اند که مقابله با آنها باعث نزدیکی هرچه بیشتر این دو کشور با یکدیگر و تقویت و تعمیق روابط امنیتی و سیاسی بین آنها شده است. وجود این دشمنان مشترک، پتانسیل همکاری های استراتژیکی عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی را افزایش داده و ضریب همسویی سیاست های امنیتی آنها را با یکدیگر تقویت نموده است. از نظر عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی مهمترین گروههای مزبور عبارتند از: «ایران، حزب الله، حماس، اخوان المسلمین در مصر، سوریه، یمن»

وجود هم پیمانان و دوستان مشترک نیز، باعث گسترش همسویی و ارتقاء نوعی ائتلاف نانوشته میان ریاض و تل آویو شده است. این موضوع که هر دو کشور عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی متحدین استراتژیکی و هم پیمانان اصلی آمریکا و شرکای تجاری اتحادیه اروپا هستند و در مدار دوستی و اتحاد با غرب قرار دارند، از دلایل افزایش همسویی و همکاری مشترک میان رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی بوده است. در واقع از آنجایی که هر دو کشور از متحدین استراتژیکی آمریکا محسوب می شوند و هر دو از کمک های تسلیحاتی آمریکا بهره می برند و همچنین هر دو در آمریکا دارای یک لابی قوی هستند، نوعی اشتراک منافع طبیعی میان رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی ایجاد شده است. در این میان، علیرغم انتقادهای اتحادیه اروپا نسبت، به وضعیت حقوق بشر در عربستان سعودی، روابط گسترده تجاری، اقتصادی و سیاسی و امنیتی بین آنها و سعودی ها همچنان از قوت برخوردار است. آمریکا، اتحادیه اروپا، ترکیه بعنوان متحدان و هم پیمانان مشترک ریاض و تل آویو می باشند. (Akhavan Kazemi, Narimani, & Sadeghi, 2016: 137)

#### - پیمان i2u2 و نقش عربستان و رژیم صهیونیستی

کریدور اقتصادی هند-خاورمیانه-اروپا (IMEC) که در قالب پیمان i2u2 شکل گرفت، در اجلاس گروه ۲۰ در سپتامبر ۲۰۲۳ در دهلی نو به طور رسمی اعلام شد. این کریدور از دو کریدور مجزا تشکیل خواهد شد. کریدور شرقی که هند را به خلیج فارس، و کریدور شمالی که خلیج فارس را به اروپا متصل می کند. این کریدور شامل یک مسیر راه آهن خواهد بود که پس از تکمیل، یک شبکه حمل و نقل بین المللی چند وجهی و مقرون به صرفه را برای تکمیل

مسیرهای دریایی و جاده ای موجود از مبدأ و مقصد میان هند، امارات، عربستان، اردن، رژیم صهیونیستی و اروپا امکان پذیر می سازد. مسیر ریلی این کریدور از امارات آغاز و با گذر از عربستان، اردن و رژیم صهیونیستی نهایتاً به بندر حیفا خواهد رسید. این طرح توسط مقامات رژیم صهیونیستی تهیه شده است و بعنوان یک تحول شرگرف تلقی می گردد که ممکن بسیاری از کشورهای منطقه را تحت تأثیر قرار دهد. دخالت عربستان سعودی در کریدور نشان دهنده تغییری استراتژیک است و نفوذ فزاینده اقتصادی منطقه ای و جهانی آنها را برجسته می کند. این امر می تواند نشان دهنده یک پویایی در حال تغییر در روابط بین الملل، به ویژه با ایالات متحده باشد.

(Iran Chamber of Commerce Research Center, 2023).

### رقابت های عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی

بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای به دنبال کاهش سطح تنش در منطقه هستند و بیشترین رقابت بین آنها، رقابت اقتصادی است. آمریکا به دلیل رقابت شدید با چین و مقابله با بحران کره شمالی بیشتر حضور خود را در منطقه شرق آسیا متمرکز نموده است و منطقه غرب آسیا را به شرکای منطقه ای خود واگذار کرده است.

(Zohdi Nasab & Mahmoudi Toulash, 2020: 46)

در این راستا رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی نیز برای دستیابی بیشتر به منافع خود با یکدیگر در رقابت هستند و هرکدام در تلاش برای ایفای نقش بیشتر برای حضور خود در مناسبات منطقه و اثبات خود به آمریکا و همچنین کسب منافع بیشتر می باشند.

### پامدهای عادی سازی روابط رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی:

عادی سازی روابط ریاض با تل آویو برای جمهوری اسلامی ایران اهمیت زیادی دارد. این فرایند بیش از آنکه برای جمهوری اسلامی ایران یک فرصت باشد، یک تهدید است. این شرایط تهدیداتی در سه حوزه اقتصادی، سیاسی و نظامی-امنیتی برای ایران به همراه دارد.

(Nemati & Haji Yousefi, 2019: ۱۷۹)

### پیامدهای امنیتی عادی سازی روابط:

### - رصد تحرکات ایران در دریای سرخ به صورت مشترک

از نظر عربستان و رژیم صهیونیستی یکی از مهمترین تهدیدات عربستان در دریای سرخ که این پادشاهی را به سمت اتحاد و ائتلاف با کشورهای همجوار دریای سرخ کشانده، ایران می باشد. بدون شک مهم ترین و ارجح ترین استراتژی عربستان سعودی جهت ایجاد ائتلاف سازی در دریای سرخ مقابله با تهدیدهای ایران در این حوزه جغرافیایی است. در چند سال گذشته حوزه رقابت بین ایران و عربستان از خلیج فارس و هلال خطیب (عراق، سوریه، لبنان و فلسطین) به سمت دریای سرخ و خلیج عدن کشیده شده است. قدرت یابی نیروهای متحد ایران (انصارالله) در یمن و کنترل باب المندب از سوی این نیروها، رقابت بین عربستان و ایران را برای نفوذ در دریای سرخ بیش از پیش نمایان کرده است. با توجه به سوابق حضور ایران در شاخ آفریقا و ارتباط این کشور با کشورهایی چون جیبوتی و سودان، سعودی ها ساحل شرقی آفریقا را به عنوان اهرمی جهت کنترل و تسلط ایران بر باب المندب قلمداد کردند. این ترس آنان با قدرت گیری انصارالله و تسلط آن بر باب المندب دوچندان شده است. تسلط نیروهای تحت حمایت ایران بر باب المندب و هدف قرار دادن کشتی ها از سوی این نیروها، نشانی بر نفوذ قدرتمند ایران بر دریای سرخ است. اظهارات مقامات سعودی از ایجاد ائتلاف جدید با مشارکت هشت کشور حاشیه دریای سرخ و خلیج عدن به پایتختی ریاض، به خوبی نمایان گر تصمیم مصمم عربستان سعودی برای تثبیت نقش و حضور خود در دریای سرخ است. بنابراین استقرار و تثبیت قدرت بلند مدت آنان حامل تهدیدات امنیتی و ژئوپلیتیکی فراوانی برای ایران منجر می شود که هشدار جدی برای امنیت و اقتدار جمهوری اسلامی ایران است. استراتژی اتحاد و ائتلاف ایران با دیگر کشورها که در جهت صیانت از منافع ملی کشورها بود، کم از سوی سایر بازیگرانی چون رژیم صهیونیستی مورد بررسی قرار گرفت. مقامات سیاسی عربستان برای مقابله با آنچه که تهدید در شاخ آفریقا محسوب می شد، به سمت اتخاذ مواضع نزدیکتر با رژیم صهیونیستی حرکت نموده و در یک موضع مشترک خواهان مقابله با تهدید مشترک بودند.

(Kazemi et al,2021: ۲۰۴-۲۱۱)

سیاست های مشترک عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی در حوزه دریای سرخ و همچنین کنترل تحرکات و اقدامات ایران در این حوزه می تواند با عادی سازی روابط آنان افزایش یافته و اقدامات ایران را کاهش دهد و همچنین افزایش میزان خرابکاری و اقدامات مخرب آنان بر ضد ایران را به همراه داشته باشد.

#### - نا امن کردن فضا برای ایران در منطقه

در خصوص موازنه سازی منطقه ای و بین المللی، آمریکا علاوه بر کمک به پیگیری برنامه صلح ابراهیم و کمک به عادی سازی روابط اعراب متحد خود در منطقه با رژیم صهیونیستی، سعی در ایجاد یک ناتوی عربی برای نا امن کردن فضا برای رقیب استراتژیک خود یعنی ایران می کند. (Jamshidi, et al, 2023: 154)

عادی سازی روابط رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی و سپس حضور بیشتر رژیم صهیونیستی در منطقه می تواند فضا را برای جمهوری اسلامی ایران نا امن کند چرا که مسلماً هدف این رژیم ایجاد نا امنی برای ایران می باشد.

#### پیامد های دفاعی عادی سازی روابط رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی:

##### - یکپارچه سازی سامانه های موشکی و دفاعی مشترک در غرب آسیا:

هدف آمریکا در دوران بوش پسر معطوف به تغییر رژیم های مختلف در خاورمیانه بود، ولی اکنون ثبات منطقه ای را به عنوان تنها هدف کلان دنبال می کند. ایالات متحده به بهانه تهدیدات موشکی و پهپادی علیه منافع خود و متحدان منطقه ای و همچنین نشان دادن تعهد خویش به امنیت و ثبات منطقه ای در سایه کاهش حضور فیزیکی، در صدد یکپارچه سازی سامانه های دفاع موشکی و رادیویی کشورهای منطقه برآمده است. با این حال، چشم انداز اجرای این طرح حداقل در آینده کوتاه مدت روشن نیست. وجود دیوار عمیق بی اعتمادی و اختلافات اعضاء (به ویژه اعراب با رژیم صهیونیستی)، عدم استفاده اعراب و رژیم صهیونیستی از سامانه های دفاعی مشترک و بهره گیری عربستان و امارات از تجهیزات دفاعی روسی و چینی و... چالش های عمده در مسیر اجرای این طرح می باشد. (Gohari Moghaddam & Hazrati Razliqi, 2022: 145-147)

عادی سازی روابط عربستان و رژیم صهیونیستی می تواند در راستای حل مشکلات برای ایجاد سامانه های دفاعی مشترک در غرب آسیا مفید واقع شود و با اقدامات رژیم صهیونیستی در ارتباط با عربستان، آمریکا را در رسیدن به هدف خود کمک خواهد کرد.

#### - افزایش همکاری های دفاعی و نظامی عربستان و رژیم صهیونیستی

در سال های گذشته عربستان سعودی همکاری های اطلاعاتی گسترده ای را با دیگر کشورها آغاز کرده است که هدف آن رصد فعالیت های اطلاعاتی و نهضتی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای حاشیه خلیج فارس، لبنان و سوریه است. بدین منظور کشورهای عربستان و امارات از توان رژیم صهیونیستی به ویژه در خصوص رصد تحرکات ایرانی ها و حزب الله در صحنه لبنان و سوریه استفاده می کنند. همچنین عربستان با رژیم صهیونیستی همکاری های مختلف در زمینه دفاعی و نظامی دارند که با توجه به شرایط جهان اسلام، آشکارا و علنی اعلام نمی گردد. از همکاری های عربستان و متحدانش با رژیم صهیونیستی می توان به همکاری های نظامی و اطلاعاتی در جنگ یمن اشاره کرد، که پس از حمله عربستان به یمن بر همکاری های نظامی و دفاعی آنان افزوده شد.

(Zohdi Nasab & Mahmoudi Toulash, 2020: 36-37)

همانطور که رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی بصورت پنهان همکاری های دفاعی و نظامی گسترده دارند، با عادی سازی روابط آنان مسلماً این همکاری ها بر ضد ایران بعنوان مهمترین کشور منطقه افزایش چشم گیری خواهد داشت. جمع آوری اطلاعات و جاسوسی از مراکز مهم کشور از طریق فعالیت در کشورهای همسایه ایران و همچنین عملیات های محدود بر علیه پایگاههای محور مقاومت در منطقه برای کاهش عمق راهبردی ایران و افزایش طرح و اقدامات برای خرابکاری ها در داخل ایران را می توان از پیامدهای حضور بیشتر رژیم صهیونیستی در منطقه از طریق عادی سازی روابط با عربستان دانست.

#### پرسشنامه و تحلیل نرم افزاری:

با توجه به روش تحقیق که اشاره شد ترکیبی می باشد لذا برای بخش پرسشنامه و تحلیل نرم افزار سؤالاتی را در دو شاخص با روش طیف لیکرت و ۵ گزینه ای (از کاملاً مخالفم الی کاملاً موافقم) طراحی و جمع آوری نموده و نظرات صاحب نظران در این حوزه توسط پرسشنامه

محقق ساخته دریافت گردید. پیامدهای امنیتی عادی سازی با ۱۰ سؤال و پیامدهای دفاعی عادی سازی روابط نیز با ۹ سؤال از اساتید خبره جمع آوری گردید و در نهایت با استفاده از نرم افزار SPSS داده‌های موجود در پرسشنامه‌ها مورد ارزیابی قرار گرفت که نتایج آمار توصیفی و استنباطی هر دو شاخص در جداول به شرح زیر می باشد:

**شاخص اول: «پیامدهای امنیتی عادی سازی روابط رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی بر جمهوری اسلامی ایران»**

**سؤالات پرسشنامه - پیامدهای امنیتی:**

۱	با عادی سازی روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی آسیب پذیری امنیتی و اطلاعاتی جمهوری اسلامی افزایش می یابد.
۲	عادی سازی روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی و خارج شدن آن از حالت تابو و از بین رفتن قبح روابط با رژیم صهیونیستی ممکن است به انزوای نسبی جمهوری اسلامی ایران در منطقه و حتی در جامعه بین المللی منجر شود.
۳	مطرح شدن رژیم صهیونیستی در افکار عمومی منطقه به عنوان شریک سیاسی و راهبردی کشورهای عربی بویژه عربستان سعودی به عنوان ام القراء کشورهای عربی، باعث مشروعیت بخشی به سیاست های تل آویو شده و ایدئولوژی ضد صهیونیستی جمهوری اسلامی را تضعیف می کند.
۴	با نزدیک شدن رژیم صهیونیستی به مرزهای امنیتی جنوبی ایران، نفوذ امنیتی آشکار این رژیم در مرزهای جنوبی کشور و خلیج فارس افزایش خواهد یافت.
۵	عادی سازی روابط عربستان سعودی و رژیم اشغالگر فلسطین تا حدودی بر معادلات منطقه تأثیر گذاشته و حضور و نفوذ آمریکا را در منطقه افزایش خواهد داد.
۶	افزایش سطح مداخله گری رژیم صهیونیستی در موضوعات سیاسی و امنیتی ایران از پیامدهای عادی سازی روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی است.
۷	عادی سازی روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی اقدامات خرابکارانه مانند ترور اشخاص تأثیر گذار نظامی و علمی، اقدامات خرابکارانه در تأسیسات راهبردی نظامی و

	غیرنظامی بر ضد جمهوری اسلامی ایران را افزایش خواهد داد.
۸	عادی سازی روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی باعث تقویت ناامنی، ناآرامی های داخلی و ایجاد چالش های سیاسی در داخل ایران خواهد شد.
۹	یکی از پیامدهای عادی سازی روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی رشد و حمایت گروه های افراطی مانند جیش الظلم، القاعده، داعش، جبهه النصره، جیش الاسلام، هیئت تحریرالشام و احرارالشام و... در منطقه است.
۱۰	عادی سازی روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی باعث تبدیل شدن عربستان به پایگاه رسمی عملیات موساد و دیگر سرویسهای اطلاعاتی رژیم صهیونیستی و همچنین تحول بزرگی در روند اقدامات جاسوسی - امنیتی و تخریبی رژیم صهیونیستی در منطقه خواهد شد.

نتایج آزمون توصیفی سؤالات پیامدهای امنیتی (شاخص اول):

	انحراف معیار	میانگین	ماکزیمم	مینیمم	تعداد
سوال اول	.۶۱۸	۴,۱۷	۵	۲	۳۵
سوال دوم	.۸۷۳	۳,۶۶	۵	۲	۳۵
سوال سوم	.۷۸۵	۳,۹۷	۵	۲	۳۵
سوال چهارم	.۵۰۵	۴,۴۶	۵	۴	۳۵
سوال پنجم	.۸۳۸	۳,۹۴	۵	۲	۳۵
سوال ششم	.۸۷۳	۳,۹۴	۵	۱	۳۵
سوال هفتم	.۸۱۷	۳,۹۱	۵	۱	۳۵
سوال هشتم	.۷۰۷	۳,۸۳	۵	۲	۳۵
سوال نهم	.۶۴۶	۴,۲۳	۵	۳	۳۵
سوال دهم	.۹۳۲	۴,۱۱	۵	۲	۳۵

نتایج آزمون توصیفی شاخص اول پرسشنامه پژوهش نشان می‌دهد بیشترین میانگین مربوط به سؤال چهارم می‌باشد؛ یعنی از دیدگاه جامعه پژوهش، مهم‌ترین پیامد امنیتی عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی بر جمهوری اسلامی ایران، «افزایش نفوذ امنیتی آشکار رژیم صهیونیستی در مرزهای جنوبی کشور و خلیج فارس» است.

**شاخص دوم: «پیامدهای دفاعی عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی بر جمهوری اسلامی ایران»**

**سؤالات پرسشنامه - پیامدهای دفاعی:**

۱	با تحقق عادی سازی روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی، اتحاد دفاعی منطقه ای با کشورهای عربی در مقابل ایران ایجاد خواهد شد.
۲	تقویت توانایی های نظامی و تسلیحاتی عربستان سعودی از پیامدهای نظامی عادی سازی روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی است.
۳	با نزدیک تر شدن روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی رزمایش ها و مانورهای مشترک در سطح وسیع تر برای انتقال تجربیات به عربستان سعودی انجام خواهد گرفت.
۴	یکی از پیامدهای عادی سازی روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی هم افزایشی سعودی- صهیونیستی برای تضعیف محور مقاومت به عنوان اتحادهای قدرتمند ایران است.
۵	عادی سازی روابط عربستان و رژیم صهیونیستی سبب اعمال فشارهای نظامی بر جمهوری اسلامی ایران بعنوان یکی از مهمترین اهداف رژیم صهیونیستی جهت حضور در جدار مرزهای ایران می باشد.
۶	یکی از پیامد های مهم عادی سازی روابط رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی تلاش رژیم صهیونیستی برای برخورد و مقابله با متحدان جمهوری اسلامی ایران در منطقه می باشد.
۷	از پیامدهای دفاعی عادی سازی روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی، تغییر در موازنه قدرت منطقه ای و تغییر نظم و ساختار امنیتی منطقه به ضرر ایران است.
۸	با نزدیکی روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی، هم افزایشی نظامی دشمنان و محدود کردن فعالیت های نظامی جمهوری اسلامی ایران افزایش خواهد یافت.
۹	با عادی سازی روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی و سازش اعراب و تلاش های جهان عرب در نزدیکی روابط با رژیم صهیونیستی، حلقه تهدیدات رژیم صهیونیستی بر ضد ایران بیشتر شده است و این موضوع باعث شده سناریوی درگیری رژیم صهیونیستی و ایران، از سوی برخی تحلیلگران جدی

باشد.

**نتایج آزمون توصیفی سؤالات پیامدهای دفاعی (شاخص دوم):**

انحراف معیار	میانگین	ماکزیمم	مینیمم	تعداد	
.۹۹۳	۳,۶۹	۵	۲	۳۵	سوال اول
.۸۰۲	۳,۹۴	۵	۲	۳۵	سوال دوم
.۷۰۲	۴,۰۹	۵	۳	۳۵	سوال سوم
.۵۰۲	۴,۵۷	۵	۴	۳۵	سوال چهارم
.۹۱۲	۳,۸۶	۵	۱	۳۵	سوال پنجم
.۵۵۳	۴,۴۰	۵	۳	۳۵	سوال ششم
.۷۱۸	۴,۱۱	۵	۲	۳۵	سوال هفتم
.۵۶۲	۴,۰۹	۵	۳	۳۵	سوال هشتم
.۶۲۲	۴,۲۹	۵	۳	۳۵	سوال نهم

نتایج آزمون توصیفی شاخص دوم پرسشنامه پژوهش نیز نشان می‌دهد که بالاترین میانگین مربوط به سؤال چهارم است و از دیدگاه جامعه پژوهش مهم‌ترین پیامد دفاعی عادی سازی روابط رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی بر جمهوری اسلامی ایران، «هم افزایی سعودی- صهیونیستی برای تضعیف محور مقاومت به عنوان اتحادهای قدرتمند ایران» است.

**نتیجه گیری آمار استنباطی پرسشنامه بوسیله نرم افزار:**

نتایج ارزیابی پیامدهای امنیتی عادی سازی روابط رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی:

نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنوف - پیامدهای امنیتی:

		پیامدهای امنیتی
تعداد		۳۵
میانگین	پارامترهای نرمال	۴۰۰۲۲۹
انحراف معیار		۰۳۵۷۳۵
مطلق		۰۰۹۲
مثبت	بیشترین حد اختلاف ها	۰۰۹۲
منفی		-۰۰۷۲
کولموگروف اسمیرنوف		۰۵۴۲
سطح معناداری		۰۹۳۰

نتایج آزمون تی تک نمونه ای-پیامدهای امنیتی:

	۳ = حد متوسط					
	مقدار T	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان ۹۵٪	
					حد پایین	حد بالا
سوال اول	۱۱.۲۲۰	۳۴	۰.۰۰۰	۱.۱۷۱	۰.۹۶	۱.۳۸
سوال دوم	۴.۴۵۶	۳۴	۰.۰۰۰	۰.۶۵۷	۰.۳۶	۰.۹۶
سوال سوم	۷.۳۱۸	۳۴	۰.۰۰۰	۰.۹۷۱	۰.۷۰	۱.۲۴
سوال چهارم	۱۷.۰۵۶	۳۴	۰.۰۰۰	۱.۴۵۷	۱.۲۸	۱.۶۳
سوال پنجم	۶.۶۵۵	۳۴	۰.۰۰۰	۰.۹۴۳	۰.۶۵	۱.۲۳
سوال ششم	۶.۳۹۳	۳۴	۰.۰۰۰	۰.۹۴۳	۰.۶۴	۱.۲۴
سوال هفتم	۶.۰۹۹	۳۴	۰.۰۰۰	۰.۹۱۴	۰.۶۱	۱.۲۲
سوال هشتم	۶.۹۳۸	۳۴	۰.۰۰۰	۰.۸۲۹	۰.۵۹	۱.۰۷
سوال نهم	۱۱.۲۵۸	۳۴	۰.۰۰۰	۱.۲۲۹	۱.۰۱	۱.۴۵

سوال دهم	۷.۰۷۲	۳۴	.۰۰۰	۱.۱۱۴	.۷۹	۱.۴۳
----------	-------	----	------	-------	-----	------

نتایج ارزیابی پیامدهای دفاعی عادی سازی روابط رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی بر جمهوری اسلامی ایران

نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنوف - پیامدهای دفاعی

		پیامدهای دفاعی
تعداد		۳۵
میانگین		۴.۱۱۴۳
پارامترهای نرمال	انحراف معیار	.۴۳۳۲۶
	مطلق	.۱۲۰
بیشترین حد اختلاف ها	مثبت	.۰۹۰
	منفی	-.۱۲۰
کولموگروف اسمیرنوف		.۷۰۹
سطح معناداری		.۶۹۶

## نتایج آزمون تی تک نمونه ای- پیامدهای دفاعی

	۳ = حد متوسط					
	مقدار T	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان ۹۵٪	
					حد پایین	حد بالا
سوال اول	۴۰۰۸۴	۳۴	۰۰۰۰	۰۶۸۶	۰۳۴	۱۰۰۳
سوال دوم	۶۰۹۵۲	۳۴	۰۰۰۰	۰۹۴۳	۰۶۷	۱۰۲۲
سوال سوم	۹۰۱۵۳	۳۴	۰۰۰۰	۱۰۰۸۶	۰۸۴	۱۰۳۳
سوال چهارم	۱۸۰۵۱۶	۳۴	۰۰۰۰	۱۰۵۷۱	۱۰۴۰	۱۰۷۴
سوال پنجم	۵۰۵۶۰	۳۴	۰۰۰۰	۰۸۵۷	۰۵۴	۱۰۱۷
سوال ششم	۱۴۰۹۷۶	۳۴	۰۰۰۰	۱۰۴۰۰	۱۰۲۱	۱۰۵۹
سوال هفتم	۹۰۱۷۷	۳۴	۰۰۰۰	۱۰۱۱۴	۰۸۷	۱۰۳۶
سوال هشتم	۱۱۰۴۲۷	۳۴	۰۰۰۰	۱۰۰۸۶	۰۸۹	۱۰۲۸
سوال نهم	۱۲۰۲۳۴	۳۴	۰۰۰۰	۱۰۲۸۶	۱۰۰۷	۱۰۵۰

با توجه به پیامدهای دفاعی- امنیتی عادی سازی روابط رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی بر جمهوری اسلامی ایران، ۱۰ سؤال برای پیامدهای امنیتی و ۹ سؤال برای پیامدهای دفاعی احصاء شد که از طریق جمع کردن شاخص های هر کدام از مؤلفه های بدست آمده و در اولویت بندی این دو پیامد این نتیجه حاصل شد که هیچ کدام از پیامدهای دفاعی و پیامدهای امنیتی نسبت به دیگری اولویت نداشته و باید پیامدهای دفاعی-امنیتی عادی سازی روابط رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی بر جمهوری اسلامی ایران را بصورت یک بسته دید و برای آن راهکار ارائه داد.

## تحلیل نتایج نرم افزار:

پیامد های دفاعی و پیامدهای امنیتی عادی سازی روابط رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی دو پیامد به هم پیوسته است که هر پیامد می تواند دیگر پیامد را تحت تأثیر خود قرار دهد. بعنوان مثال پیامدهای دفاعی می تواند امنیت جمهوری اسلامی ایران را به خطر اندازد و

بالعکس. پس براساس نتیجه تحلیل نرم افزار هردو پیامد بر جمهوری اسلامی ایران از اولویت بالا برخوردار بوده و دارای اهمیت ویژه می باشند.

### نتیجه گیری و پیشنهادها

روابط عربستان با رژیم صهیونیستی در ذیل نظریه نواقح گرایی قابل تبیین و بررسی است؛ چرا که بر اساس این نظریه، دولت ها به دنبال تأمین منافع ملی خود هستند و وجود تهدید مشترک و منافع مشترک، آنها را به سمت همکاری با یکدیگر سوق می دهد. به طوری که با وجود اختلافاتی که اعراب و رژیم اشغالگر قدس با یکدیگر دارند، همکاری بین آن ها تأمین کننده منافع آن هاست؛ لذا به سمت عادی سازی روابط حرکت می کنند. مجموعه ای از عوامل در سطوح بین المللی، منطقه ای و داخلی منجر به گرایش کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی برای برقراری روابط با یکدیگر شده است. رژیم صهیونیستی که جمهوری اسلامی ایران همواره با موجودیت آن مشکل داشته و عربستان سعودی به عنوان رقیب سنتی جمهوری اسلامی ایران که در سال های اخیر رقابت را با تنش و درگیری نیابتی در روابط جایگزین کرده است، در حال همکاری و ایجاد یک صف بندی منطقه ای هستند که این مسئله می تواند برای جمهوری اسلامی ایران پیامدهای منفی به همراه داشته باشد. چالش ها و پیامدهای منفی چنین هم افزایی دو رژیم در شرایط کنونی بر ضد ایران در حوزه های مختلفی از جمله سیاسی، اقتصادی و دفاعی - امنیتی و... بروز خواهد کرد که در این مقاله به حوزه دفاعی - امنیتی پرداخته خواهد شد. وقتی مبنای نزدیکی بیشتر اعراب و رژیم صهیونیستی به گفته مقامات و نخبگان دو رژیم عربستان سعودی با رژیم صهیونیستی، انسجام بیشتر برای دشمنی با جمهوری اسلام ایران است، طبیعی است که خروجی این همگرایی پیامدهایی بر امنیت و منافع ملی ایران داشته باشد. لذا می توان در حوزه امنیتی پیامدهای این همگرایی را دو حوزه ۱- اقدامات و همکاری های اطلاعاتی جهت خرابکاری و بی ثبات سازی در ایران و همچنین ۲- همکاری هایی در راستای هم افزایی نظامی در برابر جمهوری اسلامی ایران تقسیم بندی نمود. سیاست رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی، جلوگیری از افزایش قدرت همه جانبه به ویژه دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران است. آنها تلاش می کنند تا با بحران سازی، ایران را در حوزه های جغرافیایی مختلف درگیر کنند. محور اصلی سیاست رژیم صهیونیستی و عربستان

سعودی ایجاد و گسترش جنگ های نیابتی از نوع فراگیر است که در تمام منطقه غرب آسیا با اشکال مختلفی گسترش یافته است. از پیامدهای تعمیق و عادی سازی روابط رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی بر ایران این است که به هر میزان که این منازعات گسترش بیشتری پیدا کنند، هزینه های اقتصادی و اعتباری ایران بیشتر خواهد شد. عربستان سعودی تلاش می کند تا با استفاده از دیپلماسی، گروه های افراطی ضد شیعی و همچنین کمک مالی به آنان به تضعیف متحدان دولتی و غیر دولتی ایران در منطقه بپردازد و در طرف دیگر نیز رژیم صهیونیستی منافع خود را در نزدیکی هرچه بیشتر با عربستان سعودی می بیند. عادی سازی روابط دو رژیم می تواند پیامد ایجاد یک ائتلاف قدرتمندتر در برابر ایران را ایجاد کند. عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی هیچ روابط رسمی دیپلماتیکی با یکدیگر ندارند. با این حال، گزارش های متعددی حاکی از آن است که همکاری های دیپلماتیک و اطلاعاتی گسترده ای بین آنها در حال وقوع است. نتایج تحقیق نشان می دهد، ابتکار رژیم صهیونیستی برای ایجاد یک اتحاد استراتژیک با کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس با پشتوانه عربستان سعودی و حمایت گری ایالات متحده آمریکا می تواند در آینده قابل پیش بینی واقع شود. اجرای احتمالی چنین اتحادی می تواند پیامدهای عمده ای در امور منطقه ای در خاورمیانه و بخصوص علیه جمهوری اسلامی ایران در بر داشته باشد. از مهمترین پیامد عادی سازی روابط عربستان سعودی با رژیم صهیونیستی برای جمهوری اسلامی ایران پیامدهای دفاعی-امنیتی است. در واقع هدف نهایی متصور برای مخالفین جمهوری اسلامی ایران آن است که بتوانند از طریق اعمال فشارهای اقتصادی و سیاسی در نهایت به کاستن از توانمندی های نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران از طریق؛ زمینه سازی برای اقدامات خرابکارانه و بی ثبات ساز، هم افزایی نظامی و تلاش برای تحدید تسلیحاتی و ضربه زدن به نقاط قوت جمهوری اسلامی ایران، بپردازند.

جمع بندی یافته های پژوهش مبنی بر این واقعیت است که پیامدهای خطرناک ناشی از حضور رژیم اشغالگر قدس در منطقه خلیج فارس و برقراری عادی سازی روابط با مهمترین کشورهای حوزه خلیج فارس به خصوص عربستان سعودی شرایط امنیتی منطقه را بیش از هر زمان دیگری پیچیده نموده و تداوم این رویه و گسترش دامنه روند عادی سازی روابط اعراب

و رژیم صهیونیستی، موازنه قدرت و امنیت منطقه جنوب غرب آسیا و حوزه خلیج فارس را از لحاظ سیاسی و امنیتی تغییر خواهد داد که با توجه به ضدیت جمهوری اسلامی ایران با فلسفه وجودی رژیم صهیونیستی و پرچم دار بودن در احقاق حقوق ملت فلسطین و مقابله با زیاده خواهی های ضد انسانی این رژیم، جریان مخرب ایجاد شده به طور یقین بیشترین اثر خود را علیه منافع و امنیت جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت و خواهد داشت.

## فهرست منابع

- Adami, A., et al.** (2018). Israel and Saudi Arabia: A new era of bilateral cooperation. *Strategic Policy Research Quarterly*, 7(27), 57. [In Persian](#)
- Ekhtiari Amiri, R., et al.** (2020). The de facto Hebrew-Arab alliance and the national security of the Islamic Republic of Iran. *Scientific Quarterly of Political Studies of the Islamic World*, 9(1), 101-125. [In Persian](#)
- Akhavan Kazemi, M., Narimani, G., & Sadeghi, S. S.** (2016). An analysis of the strategic relations between Saudi Arabia and the Zionist regime against the Islamic Revolution. *Quarterly Journal of Islamic Revolution Studies*, 13(47), 125-146. [In Persian](#)
- Al-Ma'shani, A. b. M.** (2020). Normalization means denying the truth and supporting falsehood. *Al-Rooya*. Retrieved from <https://alroya.om/post/269452/> [in Arabic](#)
- Shahin, M., et al.** (2018). Analyzing Saudi-Zionist policies and interactions toward the Islamic Republic of Iran in the post-sanctions era. *Contemporary Political Essays*, 9(3). [In Persian](#)
- Shariati Nia, M.** (2010). Iranophobia: Reasons and consequences. *Foreign Relations Quarterly*, 2(6). [In Persian](#)
- Jahanirad, H.** (2023). The anti-security effects of Arab-Israeli normalization on the national security of the Islamic Republic of Iran. *Political Science Quarterly*, 32(122). [In Persian](#)
- Jamshidi, et al.** (2023). U.S. military-security strategy in West Asia in the new millennium and Iran's security puzzle to counter it. *Defense Policy Journal*, 32(125). [In Persian](#)
- Hosseini, H.** (2023). Interests and obstacles in the normalization of relations between Israel and Saudi Arabia. *Middle East Scientific and Strategic Research Center*. Retrieved from <http://www.emess.ir/Page/View/2023-08-26/7280> [In Persian](#)
- Khani, M. H., & Sadeghi, M. M.** (2014). Cost-benefit analysis of the U.S. comprehensive support strategy for the Zionist regime in foreign policy. *Strategic Policy Research Quarterly*, 2(6), 36. [In Persian](#)
- Dehghani Firoozabadi, S. J., et al.** (2021). The normalization of relations between Arab countries and the Zionist regime and its security implications for the Islamic Republic of Iran. *Political Science Quarterly*, 24(96). [In Persian](#)
- Dehghani Firoozabadi, S. J.** (2015). *Principles of international relations*. Samt Publications. [In Persian](#)
- Dashti, F., et al.** (2023). The process of normalization of Arab-Israeli relations (2011-2020). *Mesopotamian Political Studies Quarterly*, 2(1), 79-103. [In Persian](#)
- Dost Mohammadi, A., & Rajabi, M.** (2018). Saudi Arabia and the security threat to the Islamic Republic of Iran. *Politics Quarterly*, 48(4). [In Persian](#)
- Rostami, F., & Tara, A.** (2018). Analysis of Saudi-Israeli relations in the shadow of the Iran nuclear deal. *Global Politics Quarterly*, 7(2). [In Persian](#)
- Rouhi, M., & Hajizadeh, S.** (2023). Examining the reasons for Saudi-Israeli normalization and its consequences for the Islamic Republic of Iran. *Afagh-e Amniyat Quarterly*, 16\*(58). [In Persian](#)
- Zarei, G., et al.** (2022). Saudi-Israeli relations from 2010 to 2020. *National Interests Studies Quarterly*, 7(30). [In Persian](#)
- Zohdi Nasab, Y., & Mahmoudi Toulash, S.** (2020). Future study of Saudi Arabia, UAE, and Zionist regime's defense cooperation against the Islamic Republic of Iran based on scenario planning. *Defense Futures Studies Quarterly*, 5(19). [In Persian](#)
- Vaez, H., et al.** (2022). The status of the Palestinian issue in Saudi-Israeli normalization. *International Studies Quarterly*, 19(1). [In Persian](#)

- Valizadeh, A., et al.** (2020). Theoretical challenges of neorealist theory in international relations. *Political Studies Quarterly*, 12(47), 101-122. [In Persian](#)
- Karimi, K.** (2011). The Arab Spring and Saudi Arabia: Effects and reactions. *Middle East Studies Quarterly*, 18(3), 79-98. [In Persian](#)
- Kazemi, et al.** (2021). Saudi strategic policies in the Red Sea and their impact on Iran's national security. *Afagh-e Amniyat Journal*, 14\*(53). [In Persian](#)
- Kiakajouri, K., & Eslami, A.** (2022). Coalition-building in Iran's foreign policy: From the Sacred Defense to the Axis of Resistance. *Sacred Defense Studies Quarterly*, 8(2), 137-164. [In Persian](#)
- Gohari Moghaddam, A., & Hazrati Razliqi, M. A.** (2022). Prospects of U.S. strategy in West Asia and its policy implications. *Strategic Public Policy Studies Quarterly*, 12(Special Issue). [In Persian](#)
- Ghassemi, F.** (2007). The concept of security in the new international politics. *Political-Economic Information*, 246\*. [In Persian](#)
- Abbasi, M.** (2012). *Countermeasures of the Islamic Republic of Iran against U.S. security threats (2001-2010)* (Unpublished master's thesis). Allameh Tabataba'i University. [In Persian](#)
- Abbasi (Eshlaghi), M., & Hamidfar, H.** (2020). The Saudi-Israeli alliance with the U.S. and its consequences for Iran's power balance and influence in the Middle East. *International Studies Quarterly*, 17(3). [In Persian](#)
- Maleki, M. R., & Mohammadzadeh Ebrahimi, F.** (2020). The prospects of Middle East peace amid Israel-Arab normalization. *International Studies Quarterly*, 17(3), 45-64. [In Persian](#)
- Motahhari, M.** (2016). Mohammed bin Salman and the future of intra-Arab cooperation. *Strategic Studies of the Islamic World Journal*, 67. [In Persian](#)
- Mousavi Shahidi, S. M., & Zarei, B.** (2022). Assessing geopolitical disputes in the Persian Gulf region. *Political Studies of the Islamic World Quarterly*, 11(3). [In Persian](#)
- Mohammadkhani, A.** (2009). Explaining the neorealist approach in international relations. *Political Studies*, 1(3), 83-100. [In Persian](#)
- Moradi, G., & Mansouri, M.** (2024). Factors influencing Saudi-Israeli relations based on neorealist theory. *Interdisciplinary Strategic Knowledge Quarterly*, 14(55), 103-125. [In Persian](#)
- Iran Chamber of Commerce Research Center.** (2023). *India-Middle East-Europe Economic Corridor: From idea to implementation*. Tehran: ICCRC. [In Persian](#)
- Navidi Nia, F., & Moradi Kolardeh, S.** (2021). Explaining Saudi-Israeli relations in countering Iran (2011-2020). *Political and International Research Journal*, 48. [In Persian](#)
- Nemati, A. H., & Haji Yousefi, A. M.** (2019). New developments in Saudi-Zionist relations: Reasons and contexts. *Afagh-e Amniyat Quarterly*, 12\*(44). [In Persian](#)
- Al-Shahrani, S. b. A. b. R.** (2007). *National security institutions in the Kingdom of Saudi Arabia*. King Abdulaziz Foundation. [in Arabic](#)
- Alsaafin Linah, (2017), what is behind the covert Israeli-Saudi relations?, Aljazeera.
- Jackson and Sorensen. G. (2013). *Introduction to international relations: theories and Approaches*. Fifth edition. Oxford: Oxford University Press.

